

*Bi-quarterly scientific journal of Religion & Communication, Vol.26, No.2, (Serial 57),
Spring & Summer ۲۰۲۰*

**Religiosity and Voter Turnout in Iran (A Case Study of the
Presidential Elections during ۲۰۰۱-۲۰۱۷)**

**Abolghasem Heidari^۱
Abraham Salehabadi^۲**

**Received: ۱۳/۰۵/۲۰۱۹
Accepted: ۱۷/۰۷/۲۰۲۰**

Abstract

According to theoretical and empirical research, religion is one of the determinants of electoral behavior. In Iran, religion has always been considered as an influential institution in the field of social life. In regard to the importance of this institution and the religious political system in Iran, dominant foreign texts' lack of clarification of affairs by religion, their theoretical distortions related to religion in society (secularism) and empirical disorders about the influence of religiosity in the election and lack of specific studies about religiosity and voter turnout, this study seeks to clarify the relationship, especially in the Iranian presidential elections during ۲۰۰۱-۲۰۱۷. A cross-sectional and within-the-country comparative method, secondary document data and previous surveys have been employed to discuss the issue. The findings show that the relationship between religiosity and voter turnout is different in terms of the province ethnicity and its nearness to the borders. The extent of participation in Friday and Congregational Prayer as a collective dimension of religiosity has a greater impact in proportion to individual dimensions. Also, the personal dimension of religiosity has a reverse effect on voter turnout. This study shows that the theories of cultural wars and dominant ideology have much more potential to explain such relationships.

Keywords: Religion, Voter Turnout, Theory of Dominant Ideology, Cultural Wars, Iran Provinces

^۱. Assistant Professor, Department of Sociology, Azad University, Babol Branch
ashahin۲۰۰۰@yahoo.com

^۲. Assistant Professor of Sociology, Payame Noor University
abrahamsalehabadi@yahoo.com

دین داری و مشارکت انتخاباتی در ایران (مطالعه موردی انتخابات ریاست جمهوری سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶)

ابولقاسم حیدرآبادی^۱

ابراهیم صالح آبادی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۲۷

چکیده

بر اساس تحقیقات نظری و تجربی عامل دین یا جهت گیری دینی از عوامل تعیین کننده رفتار انتخاباتی است. در ایران دین به عنوان نهادی بانفوذ و مؤثر در عرصه زندگی اجتماعی همواره مطرح بوده است؛ به خصوص پس از پیروزی انقلاب، دین با کنترل نهاد سیاست توانسته گستره وسیع تری از زندگی را تحت تأثیر قرار دهد. با عنایت به اهمیت نهاد دین و نظام سیاسی دینی در ایران، عدم تبیین امور از جانب دین، اعوجاجات نظری مربوط به دین در جامعه (سکولاریسم) و اغتشاشات تجربی درباره تأثیر دین داری بر رأی دهی در متون غالب خارجی و کمبود مطالعات موثق درباره دین داری و مشارکت انتخاباتی؛ این مطالعه درصدد بررسی رابطه دین داری و مشارکت انتخاباتی (انتخابات ریاست جمهوری) در استان های ایران طی سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶ است. مقاله با استفاده از روش تطبیقی درون کشوری، داده های اسناد ثانویه (دست دوم) و پیمایش های قبلی درصدد بررسی رابطه بین دین داری و مشارکت انتخاباتی است. نتایج نشان می دهد رابطه بین دین داری و مشارکت انتخاباتی در بین استان ها برحسب مرزی بودن و قومی بودن متفاوت است. شرکت در نماز جمعه و جماعت به عنوان ابعاد جمعی دین داری تأثیر بیشتری نسبت به ابعاد فردی دارد و تأثیر بعد شخصی دین داری بر مشارکت انتخاباتی معکوس است. از بین نظریه های یادشده، نظریه جنگ های فرهنگی و ایدئولوژی مسلط توان بیشتری برای توضیح این گونه روابط دارند.

واژگان کلیدی: دین داری، مشارکت انتخاباتی، نظریه ایدئولوژی مسلط، جنگ های فرهنگی، استان های ایران.

*استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه آزاد واحد بابل. ashahin2000@yahoo.com

**استادیار جامعه شناسی دانشگاه پیام نور. abrahimsalehabadi@yahoo.com

درباره نقش و جایگاه مذهب در جوامع دو دیدگاه متناقض وجود دارد. برخی بر این ادعا هستند که با توجه به روند سکولار شدن زندگی اجتماعی، مذهب محکوم به فناست. برخی دیگر معتقدند که این روند در حقیقت به معنای نابود شدن مذهب نیست، بلکه از تغییر شکل آن حکایت دارد (بشیریه، ۱۳۸۲: ۲۲۱). اینگلهارت این نظر را که ارزش‌های مادی در جوامع صنعتی جایگزین جهان‌بینی‌های معنوی و مذهبی شود، نمی‌پذیرد و معتقد است در بلندمدت انتقال به جامعه مابعد صنعتی موجب تأکید مجدد بر ارزش‌های معنوی می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۰۱). رفتار انتخاباتی به‌عنوان عمل سیاسی بیانگر درجه‌ای از مشارکت سیاسی مردم در نظام اجتماعی است، رفتار انتخاباتی تحت تأثیر عوامل متعددی همچون فرهنگ سیاسی جهت‌گیری اقتصادی سیاسی، طبقه اجتماعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی (شغل، درآمد و سطح تحصیلات)، محل سکونت (شهر یا ده)، تعلق مذهبی، مذهب و... قرار دارد (میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۷). در ایران دین به‌عنوان نهادی بانفوذ و مؤثر در عرصه زندگی اجتماعی همواره مطرح بوده است، به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب، دین با کنترل نهاد سیاست توانسته است گستره وسیع‌تری از زندگی را تحت تأثیر قرار دهد. این واقعیت که دو مقوله دین‌داری و مشارکت مردمی طی قرن گذشته سهم بالایی در مطالعات سیاسی داشته‌اند و چنین به نظر می‌رسد که حداقل در چهار دهه پیشرو همچنان تحت تأثیر این دو عامل باشد، ما را به آنجا رهنمون می‌شود که پرسش از نسبت دین‌داری و مشارکت مردمی در عرصه سیاسی را بیش‌ازپیش جدی تلقی نموده است.

بیش از نیم‌قرن از مطرح شدن تحلیل جامعه‌شناختی رفتار انتخاباتی شهروندان به‌صورت جدی و آکادمیک می‌گذرد. بررسی رفتار انتخاباتی شهروندان، صرفاً به حوزه جامعه‌شناسی مربوط نمی‌شود؛ بلکه در نقطه تلاقی بین علوم مختلف از جمله سیاست، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، ارتباطات و آمار قرار می‌گیرد. نقطه آغاز این حوزه از علوم سیاسی اخذ می‌شود و در ادامه از

حوزه‌هایی که نام‌برده شد، بهره می‌گیرد. گرچه میزان بهره‌گیری از حوزه جامعه‌شناسی می‌تواند بسیار پررنگ‌تر و جدی‌تر مطرح شود. در جمهوری اسلامی ایران نیز بررسی رفتار انتخاباتی، یک حوزه نسبتاً جدید پژوهشی به شمار می‌آید. در مقایسه با غرب در جمهوری اسلامی ایران که حکومت خود را طبق قانون اساسی بر مبنای جمهوریت و مردم‌سالاری دینی بنا کرده است و سه دهه از قدمت آن می‌گذرد، این حوزه مطالعاتی، چندان عمق پیدا نکرده و عمومی نشده است؛ لذا ضرورت انجام چنین پروژه‌هایی به‌خصوص در پژوهشگاه‌ها و مراکز دانشگاهی بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

بیان مسئله

کمبود کار تحقیقی درباره رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی در داخل کشور ضرورت و اهمیت درجه اول این تحقیق است. مسئله این تحقیق از نتایج و اطلاعات متناقض درباره رابط دین‌داری و رفتار انتخاباتی برآمده است (رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی یک امر جدلی یا پروبلماتیک به شمار می‌آید). دیدگاه برخی تحلیلگران سیاسی بریتانیا از جمله آلفورد (Alford, ۱۹۶۷, ۱۹۷۳)، پالز (pulzr, ۱۹۶۷)، باتلر و استوکس (Butler and Stokes, ۱۹۶۹) و نتایج بعضی از تحقیقات (kim, ۲۰۰۶)، بر این است که دین بر رفتار انتخاباتی اثری ضعیف دارد و یا هیچ اثری بر آن ندارد. به عقیده این دسته از دانش‌پژوهان، عامل اصلی و تعیین‌کننده رفتار انتخاباتی طبقه اجتماعی است؛ به‌طوری‌که تحلیل‌های بعدی نیز در مورد تأثیرگذاری طبقه اجتماعی بر رفتار انتخاباتی، نقش دین را نادیده یا ناچیز شمرده‌اند (Sarlckick and Crewe, ۱۹۸۳؛ Rose and Mcallister, ۱۹۸۶؛ Bartle, ۱۹۹۸؛ Heath et al, ۱۹۸۵ به نقل از طالبان و میرزایی، ۱۳۸۹: ۳۵). در مقابل، نتایج تحقیقات بسیاری دین و دین‌داری را از عوامل اصلی شکل‌دهی به رفتار انتخاباتی معرفی می‌کنند. با نگاهی به محتوای تحقیقات انجام‌شده می‌توان به این نکته پی برد که در بیشتر آن‌ها دین و دین‌داری عوامل بسیار تأثیرگذار در رفتار سیاسی (مشارکت، رفتار رأی‌دهی) افراد و از متغیرهای قابل‌ملاحظه در

تحقیقات مربوط به تحکیم دموکراسی است (Busch, ۱۹۹۶؛ kim, ۲۰۰۶ به نقل از کشاورز، ۱۳۹۴: ۱۸). بررسی نتایج داده‌های مطالعات تطبیقی نظام‌های انتخاباتی نشان می‌دهد دین هنوز در مقایسه با هریک از شاخص‌های پایگاه اقتصادی اجتماعی، شاخص قوی‌تر و پیوسته‌تری در ارتباط با ترجیح انتخاباتی است (اینگلهارت و نوریس، ۱۳۸۷: ۲۸۹ - ۲۹۰ به نقل از طالبان و میرزایی، ۱۳۸۹: ۳۶). در جامعه ایران رفتار انتخاباتی شاید بیش از هر چیز، تحت تأثیر جهت‌گیری‌های دینی افراد باشد و یا به عبارت دیگر، رابطه معناداری بین این دو وجود دارد (امام‌جمعه‌زاده و همکارانش، ۱۳۸۹، ۱۳۹۲؛ زارع و همکار، ۱۳۹۵؛ ابوالحسنی، ۱۳۸۴؛ طالبان و همکار، ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۱؛ ربیعی، ۱۳۸۰؛ درزی، ۱۳۸۲؛ رضی، ۱۳۷۴؛ ۱۳۸۰؛ سید امامی، ۱۳۸۶؛ سید امامی و همکار، ۱۳۸۸؛ سید امامی و همکاران، ۱۳۹۴؛ عبدالله، ۱۳۹۱؛ معمار، ۱۳۹۳؛ کشاورز و همکاران، ۱۳۹۴؛ آخوندی، ۱۳۹۱؛ صالح‌آبادی، ۱۳۹۲؛ صالح‌آبادی و همکار، ۱۳۹۰). در برخی از تحقیقات این رابطه وجود ندارد (بهمنی طراز، ۱۳۷۹).

با عنایت به رابطه مشکوک و متناقض رابطه دین‌داری و مشارکت سیاسی در آثار خارجی و رابطه مستقیم و بدون چالش بین دین‌داری و مشارکت سیاسی در ایران، این مسئله به‌عنوان امر فرعی این مقاله و به‌مثابه محل نزاع می‌تواند تحریر گردد که آیا نتایج تحقیقات داخلی در ایران معتبر و پایا هستند یا خیر؟ با توجه به منطق خاص جامعه شناسان ایران در بررسی موضوعی و شیفتگی بیش‌ازحد محققان به نظریه‌ها و مشکلات روشی آن‌ها (صالح‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۰-۲۱) و همچنین استفاده از نظرسنجی‌ها به‌جای تحلیل‌های علی و استنباط علی از نظرسنجی‌ها به‌عنوان روش منحصر‌به‌فرد در ایران، می‌توان به نتایج چنین تحقیقاتی شک نمود و رابطه به‌دست‌آمده را مشکوک فرض نمود. به‌عنوان نمونه، نتایج تحقیق ابوالحسنی (۱۳۸۴)، کشاورز و همکاران (۱۳۹۴)، دارابی (۱۳۸۸ الف، ۱۳۸۸ ب، ۱۳۸۸ ج)، عبدالله (۱۳۹۱)، جعفری نژاد و همکاران (۱۳۹۰)، پرچی (۱۳۸۶) و... به دلیل استنباط علی از نظر سنجی‌ها مغشوش است. در این‌گونه تحقیقات با استفاده از نظرسنجی به‌جای بررسی واقعیت، علل رأی را از مردم و

پاسخگو می‌پرسند و علل موردنظر پاسخگویان را به‌عنوان علل در نظر می‌گیرند. استفاده از نظر سنجی‌ها در تحقیق نه تنها درست نیست؛ بلکه ممکن است به نتایج گمراه‌کننده‌ای منجر شود. به‌عنوان نمونه؛ در چنین تحقیقاتی در بررسی فرضیه تأثیر دین‌داری در رأی‌دهی چنین پرسیده می‌شود: نقش دین و مذهب در جهت شرکت در انتخابات چقدر است (جعفری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۱۹۵).

با عنایت به اهمیت نهاد دین و نظام سیاسی دینی در ایران و عدم تبیین امور سیاسی مانند مشارکت سیاسی و مشارکت انتخاباتی از جانب متغیر دین در ایران، و اغتشاشات تجربی درباره تأثیر دین و دین‌داری بر رأی‌دهی در متون غالب خارجی و کمبود مطالعات مشخص و موثق درباره دین‌داری و مشارکت انتخاباتی در داخل ایران، این مطالعه درصدد بررسی رابطه دین‌داری و میزان مشارکت انتخاباتی در استان‌های ایران است.

سابقه تحقیق

تحقیقات زیادی در کشورهای خارج وجود دارد که بر رابطه میزان دین‌داری (میزان کلیسا رفتن) و میزان مشارکت انتخاباتی اشاره دارند (Verba et al, ۱۹۹۵؛ Greenberg, ۲۰۰۰؛ Hoffman and Dowd, ۲۰۰۸؛ dietram et al, ۲۰۰۳؛ Macaluso and Wanat, ۱۹۷۹؛ Allport, ۱۹۵۰؛ Jones and Leal, ۲۰۰۱؛ Secret et al, ۱۹۹۰؛ Williams؛ Guth, ۱۹۹۹؛ Greeley, ۱۹۹۷؛ et al. ۲۰۰۲؛ Verba et al, ۱۹۹۳؛ Macaluso et al, ۱۹۷۹؛ ۱۳۹۵؛ نقل از زارع، ۲۰۰۷؛ DeCanio, ۲۰۱۲؛ Botterman et al, ۲۰۱۲؛ Kim؛ Layman, ۱۹۹۷؛ Evans et al, Brad, ۲۰۱۳؛ Botterman et al, ۲۰۱۲؛ McCluskey, ۱۹۶۸؛ Jones- Ignazi et al, ۲۰۱۳؛ Hoffman et al, ۲۰۰۸؛ Golberg, ۲۰۱۴؛ ۲۰۱۸؛ Layman ۱۹۹۷؛ Kotler-Berkowitz, ۲۰۰۱؛ Kim, ۲۰۰۶؛ Correa et al, ۲۰۰۱؛ Lehrer, ۲۰۰۴؛ Macaluso et al, ۱۹۷۹؛ Liddle et al, ۲۰۰۷؛ McKenzie, ۲۰۰۴؛ Michael McTague et al. ۲۰۰۹؛ Need, ۱۹۹۷؛ Swierenga, ۲۰۰۹؛ اینگلهارت، ۱۳۷۳).

تحقیقات موجود در ایران را می‌توان برحسب آنکه (۱). متغیر اصلی و موضوع آن‌ها دین‌داری و مشارکت انتخاباتی است و یا (۲). اینکه متغیر دین‌داری را در کنار سایر متغیرها بررسی کرده‌اند؛ تقسیم‌بندی نمود. بر این مبنا، تحقیقاتی که متغیر دین‌داری را در کنار سایر موارد بررسی نموده‌اند، عبارت‌اند از: پرچمی، ۱۳۸۶؛ جوج و همکار، ۱۳۹۱؛ درزی، ۱۳۸۲؛ ربیعی، ۱۳۸۰؛ رضی، ۱۳۷۴، ۱۳۸۰؛ سید امامی؛ ۱۳۸۶؛ سید امامی و مددلو، ۱۳۹۴؛ صالح‌آبادی و همکار، ۱۳۹۰؛ صالح‌آبادی، ۱۳۹۲؛ عبدالله، ۱۳۹۱؛ فیروزجائیان و همکار، ۱۳۸۷؛ کشاورز و همکاران، ۱۳۹۲؛ آخوندی، ۱۳۹۰، گنجی و همکاران، ۱۳۹۱؛ نادری، ۱۳۹۶؛ هاشمی و همکاران، ۱۳۸۹؛ ۲۰۰۶، ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، Güneş et al).

امام‌جمعه‌زاده و همکاران (۱۳۸۹ و ۱۳۹۲) نشان می‌دهد که همبستگی معناداری میان ابعاد دین‌داری و میزان مشارکت سیاسی وجود دارد. دین‌داری مناسبی ارتباط معنادارتری با سطوح مختلف رفتار انتخاباتی دارد (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۷). در تحقیق دیگر نیز همبستگی‌های معناداری میان ابعاد دین‌داری و رفتار انتخاباتی مشاهده شد (امام‌جمعه‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۷). زارع و همکار (۱۳۹۵) نشان دادند بعد مناسبی و بعد پیامدی دین‌داری بیشترین سهم معنی‌دار را در پیش‌بینی پراکندگی مشارکت سیاسی دارا می‌باشند. ابوالحسنی (۱۳۸۴) رفتار انتخاباتی شرکت‌کنندگان در انتخابات را، به میزان زیادی تحت تأثیر صداوسیما، هیئت‌های مذهبی و پایگاه‌های بسیج دانسته است. عبدالله (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که مذهبی بودن به طور معناداری با مشارکت در انتخابات رابطه دارد. عبدالله (۱۳۹۶) نشان می‌دهد؛ میان پایبندی به انجام تکالیف شرعی و شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری رابطه معنادار و مثبت وجود دارد و با افزایش پایبندی به انجام تکالیف شرعی، میزان مشارکت در انتخابات بیشتر می‌شود. گنجی و همکاران (۱۳۹۱) نشان می‌دهند که ارتباط مستقیم و معناداری میان دین‌داری سنتی و مشارکت سیاسی دانشجویان وجود دارد؛ یعنی هرچه نمره دین‌داری سنتی بالاتر باشد، مشارکت سیاسی هم بیشتر می‌شود. همچنین هرچه افراد دین‌داری مدرن‌تری داشته باشند، مشارکت سیاسی پایین‌تر است.

معمار (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که در جامعه ایران، ترکیب طبقاتی به‌تنهایی نمی‌تواند تفاوت‌پذیری در میزان رأی‌دهی را توضیح دهد. ارتباط میان نسبت طبقات متوسط در جمعیت و میزان رأی‌دهی در شهرستان‌های کشور، به‌طور معناداری متأثر از میزان دینی بودن آن‌ها است؛ و دینی بودن در ایران، به‌عنوان متغیر تعدیلگر، بر ارتباط میان نسبت طبقات متوسط و میزان رأی‌دهی تأثیر تعیین‌کننده‌ای برجای می‌گذارد (معمار، ۱۳۹۱: ۲۸۱). کشاورز و همکاران (کشاورز، ۱۳۹۱؛ کشاورز و همکاران، ۱۳۹۴). نشان داده‌اند که بیشترین مقدار تأثیرگذار، در مرحله اول بعد اعتقادی در مرحله دوم بعد مناسکی و در نهایت بعد تجربی با میزان مشارکت انتخاباتی و بعد گرایش رأی‌دهی است. بعد تجربی بر میزان گرایش رأی‌دهی تأثیری ندارد (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۵). طالبان و میرزایی (۱۳۸۹) نشان دادند که میزان دین‌داری اثر معناداری بر رفتار انتخاباتی دارد؛ به این صورت که میزان دین‌داری، بیشتر به رأی دادن به اصول‌گرایان و مشارکت بالاتر در انتخابات منجر می‌شود و دین‌داری کمتر نیز موجب رأی دادن به اصلاح‌طلبان و مشارکت کمتر در انتخابات می‌شود. رهبر قاضی و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهد با افزایش دین‌داری، از میزان فرهنگ سیاسی دموکراتیک در بین افراد، کاسته می‌شود؛ فرهنگ سیاسی دموکراتیک در بین افرادی بالاتر بود که از دین‌داری کمتری برخوردار بودند.

ایرادی که بر بیشتر تحقیقات وارد است؛ فقدان توضیح نظری مشخص برای تبیین رابطه وضعیت دین‌داری و رفتار انتخاباتی است. در این مقاله تلاش شده تا در حد بضاعت در سطح استانی (سیستمی) به سازوکارهای علی و توضیحات نظری در باب این‌که چرا دین‌داری بر مشارکت تأثیر دارد، بپردازد و کاستی‌های تحقیقات پیشین، تا حد امکان جبران گردد.

مبانی و مدل نظری تحقیق

دین به‌مثابه نظام فرهنگی و پدیده اجتماعی در مطالعات جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی جایگاه خاصی دارد. درباره تبیین و تفسیر نظری تأثیر دین‌داری بر

رفتار انتخاباتی نظریات زیر ارائه می‌شود که به صورت مختصر آن‌ها را توضیح می‌دهیم: نظریه جنگ‌های فرهنگی، ایدئولوژی مسلط، نظریه شکاف‌ها و نظریه قومی مذهبی، تعلقات اجتماعی، سرمایه اجتماعی، دل‌بستگی گروهی و نظریه لنسکی (برای اطلاع بیشتر میرزایی، ۱۳۹۲؛ کشاورز و همکاران، ۱۳۹۴؛ زارع و همکار، ۱۳۹۵؛ سیدامامی و همکاران، ۱۳۸۶، ۱۳۸۸، ۱۳۹۴؛ رهبر قاضی و همکار، ۱۳۹۵؛ امام‌جمعه‌زاده و همکار، ۱۳۹۲؛ دارابی، ۱۳۸۴).

نظریه جنگ‌های فرهنگی و نظریه شکاف یا نظریه قومی - مذهبی مدعی هستند که اگر دین تأثیرگذار است؛ به این علت است که دین باعث شکاف و اختلاف بین افراد می‌گردد و این افراد دین را ابزاری برای مبارزه در عرصه سیاست قلمداد می‌کنند. دین به دلیل اختلاف‌افکنی، دشمن‌تراشی و جنگ‌افزایی باعث تقویت رفتارهای سیاسی و مشارکت انتخاباتی می‌شود. بر اساس نظریه جنگ‌های فرهنگی نیز، اعتقادات و اعمال مذهبی، خود القاکننده ترجیحات سیاسی و حزبی مشخص هستند. کسانی که اعتقادات و اعمال دینی شدیدتر یا به عبارت دیگر دین‌داری قوی‌تری دارند، دیدگاه سنتی و بسته‌تری دارند؛ بنابراین محافظه‌کارانه رفتار می‌کنند، در انتخابات بیشتر مشارکت می‌کنند و به احزابی رأی می‌دهند که در این موضوعات با آنها هم‌عقیده هستند. در مقابل، کسانی که دین‌داری ضعیف‌تری دارند، نسبت به موضوع‌های فرهنگی وابسته به انتخابات دیدگاه بازتر و مدرن‌تری دارند و غیرسنتی و یا آزادتر رفتار می‌کنند، در انتخابات کمتر مشارکت می‌کنند و به احزابی رأی می‌دهند که در این گونه مسائل غیرسنتی و یا آزادتر رفتار می‌کنند (کشاورز و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۹).

نظریه جنگ فرهنگی حاصل کار جامعه‌شناسانی مانند هانتز و وثنو است. منظور از اصطلاح جنگ‌های فرهنگی، اختلافات مذهبی است. یعنی تفاوت‌هایی در چگونگی و میزان اعتقادات و رفتارهای دینی هواداران و حامیان احزاب و گرایش‌های مختلف سیاسی است که همگی پیرو یک آیین مذهبی نیز هستند. محور این جنگ‌های فرهنگی، اختلافات اخلاقی و مذهبی عمیق است. در یک سوی این اختلافات فرهنگی، افرادی با اعتقادات و دل‌بستگی‌های مذهبی سنتی و

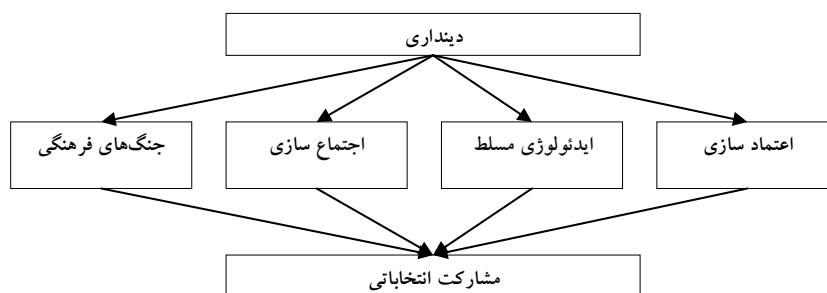
یا میزان زیادی از التزامات مذهبی قرار دارند که تمایل دارند به یک منبع اقتدار اخلاق متعالی قابل تعریف و بیرونی التزام داشته باشند و در سوی دیگر، افرادی با اعتقادات مذهبی مترقی و التزام مذهبی پایین تر هستند. آنان حقایق اخلاقی اردوگاه سنت‌گرایان را رد می‌کنند و به جای آن یک نوع اقتدار اخلاقی انسانی را در درون مرزهای معرفت و دایره تجربه بشری جایگزین می‌کنند (لیمن، ۲۰۰۱: ۶۶ به نقل از کشاورز و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲). بر اساس این نظریه اختلافات سیاسی کلیدی بین پیروان مذهب مختلف نیست، بلکه در میان کسانی است که دارای سطح بالایی از اعتقادات و التزامات دینداری (دینداری بالا) و کسانی که دارای سطح پایینی از اعتقادات و التزامات دینی هستند، در تمام سنت‌های دینی است (همان، ۲۲).

نظریه تعلقات اجتماعی یا عضویت گروهی و نظریه دل‌بستگی گروهی (گروه‌های مرجع) مدعی هستند که دین با تغییر در ساحت روانی و ایجاد علقه و پیوند بین افراد، آن‌ها را برای مشارکت آماده می‌سازد. نظریه لنسکی بیان دیگری از همین نوع تأثیرگذاری است. وی معتقد است که دین از طریق میزان اجتماع‌سازی و نوع آن در مشارکت تأثیر دارد. نظریه اثربخشی سیاسی یا اعتماد سیاسی یکی دیگر از نظریات مرتبط با مسائل روان‌شناختی است که در مقوله رفتار انتخاباتی مورد توجه اندیشمندان است. اعتماد سیاسی نگرشی است که در آن فرد احساس می‌کند با مشارکت سیاسی خود بر فرایندهای سیاسی اثر می‌گذارد و بر آنها کنترل و نظارت می‌کند و می‌تواند از این راه به ارضای نیازهای خود بپردازد (کلانتری، ۱۳۸۴: ۵).

نظریه ایدئولوژی مسلط مدعی است که دولت‌های دینی یا دین‌های دولتی برای مشروعیت‌بخشی به نظام، افراد را مجبور به مشارکت می‌کنند. به این نظریه، به‌عنوان نظریه رادیکال در زمینه رفتار انتخاباتی نگریسته می‌شود. مطابق با نظریه ایدئولوژی مسلط، هرچند افراد خود انتخاب می‌کنند؛ اما انتخاب‌های فردی با کنترل ایدئولوژیکی شکل می‌گیرند. در ایدئولوژی مسلط، انتخاب تحت تأثیر آموزشی است که حکومت می‌دهد و حتی بالاتر، تحت تأثیر رسانه‌های گروهی

است (رضوانی، ۱۳۸۶: ۱۵۴). در نظریه ایدئولوژی مسلط، افراد کاندیداهایی را انتخاب می‌کنند که با ایدئولوژی حکومت همگام باشند و در نتیجه نگرش‌های رأی دهندگان با عقاید ایدئولوژی مسلط مطابقت دارد. نظریه سرمایه اجتماعی نیز مدعی است که دین با افزایش سرمایه اجتماعی باعث مشارکت می‌شود. مشارکت، جنبه‌ای از سرمایه اجتماعی است. این نظریه در دل نظریه اجتماع‌سازی جای می‌گیرد. براین اساس، مدل زیر و فرضیه‌های زیر مطرح می‌شود:

۱. دین باعث شکاف و اختلاف (جنگ‌افزایی) بین افراد می‌گردد و موجب می‌شود تا افراد برای مبارزه به مشارکت انتخاباتی دست بزنند.
۲. دین از طریق تعلق خاطر، علقه و عضویت گروهی (اجتماع‌سازی) باعث می‌گردد تا افراد درگیر مشارکت انتخاباتی شوند؛ چون عضو گروهی هستند یا آن گروه را مطلوب و مرجع می‌دانند.
۳. دین از طریق ایجاد سرمایه اجتماعی (اعتمادسازی) موجب افزایش مشارکت انتخاباتی می‌گردد.
۴. نظریه ایدئولوژی مسلط مدعی است که دولت‌های دینی یا دین‌های دولتی برای مشروعیت‌بخشی به خود افراد را مجبور به مشارکت انتخاباتی می‌کنند.



نمودار ۱: مدل نظری تحقیق

آزمون مدعاهای فرضیه‌های فوق مستلزم وجود داده‌های متفاوت در سطوح گوناگون است که از وسع و بضاعت این مقاله خارج است. با وجود این، مقاله تلاش دارد، برای مدعاهای مستخرج از فرضیه‌ها، قراین و شواهدی ارائه نماید.

روش تحقیق

روش پژوهش، روش تطبیقی درون کشوری است. در این روش به مقایسه واحدهای اجتماعی (استان‌های ایران) موردنظر پژوهش می‌پردازند. در جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک بررسی کتابخانه‌ای شامل کتب، مقالات، تحقیقات، پایان‌نامه‌ها و داده‌های اسناد ثانویه (دست‌دوم) برآمده از برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری (انتخابات ریاست‌جمهوری طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۶) در طی نه دوره و دیگر داده‌های اسنادی از سایت‌های ذی‌ربط استفاده شده است. جامعه آماری موردنظر شامل کلیه داده‌های اسنادی در استان‌های کشور است. واحد تحلیل، استان‌های کشور در واحد زمانی و سطح تحلیل کشور ایران می‌باشد که جمعیت آماری تحقیق، معادل حداقل ۲۸ استان است که داده‌های مربوط به عوامل تبیین‌کننده و شونده برای آن‌ها موجود بوده است. داده‌های این مطالعه از نوع داده‌های تجمیعی می‌باشند. به این ترتیب تحلیل با استفاده از یافته‌های دین‌داری تجمیعی برای هر استان در سطح فردی مدنظر قرار می‌گیرد.

تعاریف متغیرها

مشارکت انتخاباتی: برای سنجش میزان مشارکت انتخاباتی از اطلاعات ارائه شده از سوی وزارت کشور استفاده شد. در این مقاله، مشارکت انتخاباتی، محدود به دوره‌های انتخابات ریاست‌جمهوری است که برای آن‌ها داده‌های متغیر مستقل (شاخص‌های دین‌داری) موجود هستند.

دین‌داری: گلاک و استارک مفهوم عملی مجزایی با چهار بعد برای دینداری ساختند که عبارت‌اند از اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۴). بعد اعتقادی، باورهایی را در برمی‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین، بدان‌ها اعتقاد داشته باشند (همان، ۱۶۴). بعد تجربی یا عواطف دینی، در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است، ظاهر می‌شود (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۵). این بعد دینداری، برای هرگونه تجربه‌ای به کار می‌رود که آدمی در ارتباط با

حیات دینی خود از جمله احساس گناه یا رهایی، وجد و سرور، ترس، شوق و تمنا، احساس امتنان و سپاس، و غیره دارد (استامپ و دیگران، ۱۳۸۳: ۶۸).
بعد مناسکی، به اعمالی اطلاق می‌شود که در چارچوب زندگی دینی انجام می‌شود (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۵: ۱۱۶). به عبارت دیگر بعد مناسکی یا عمل دینی مشخص نظیر عبادت، خواندن نمازهای روزانه، شرکت در آیین‌های مقدس، روزه گرفتن و غیره را که انتظار می‌رود پیروان هر دین آن را به جا آورند در برمی‌گیرد (سراج زاده، ۱۳۸۳: ۱۶۷). بعد پیامدی دینداری یا آثار دینداری شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین است (سراج‌زاده و توکلی، ۱۳۸۰: ۱۶۵). به عبارت دیگر بعد پیامدی یک بعد استنتاجی ناظر بر اجرای اصول و فرامین دینی در زندگی روزمره است (کیوی و کامپنهود، ۱۳۷۵: ۱۱۷).

دینداری دارای ابعاد و اجزایی است که از وجوه مختلف دین منبعث می‌گردد و به نوبه خود نسبتی با ابعاد وجودی انسان دارد. علاوه بر ابعاد دینداری، تجلیات دینداری، مثل آثار و پیامدهای عمیق آن را که در سنجش به کار می‌آیند نمایان شده است (شجاعی زند، ۱۳۸۴: ۳۴)؛ بنابراین ارتباط و نسبت تنگاتنگی بین چهار بعد دینداری قابل مشاهده است. برای سنجش دین‌داری استان‌ها از اطلاعات ثانویه استفاده شد. دین‌داری از منابع زیر استخراج گردیده و بر اساس فنون آماری شاخص‌سازی شده است: یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (گزارش کشوری) موج سوم (۱۳۹۴)؛ شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (۱۳۹۱)؛ ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول)؛ سایت‌های زیر:

<http://irandataportal.Syr.Edu/ethnicity-and-religious-services-participation>
<http://www.worldvaluessurvey.org/WVSDocumentationWV۵.Jsp>

تعلق خاطر، علقه و عضویت گروهی (اجتماع‌سازی): برای سنجش اجتماع‌سازی و عضویت افراد در گروه‌ها، از شاخص‌های زیر استفاده شد (تنها برای سال ۱۳۹۴):
۱. میزان وفاداری ملی؛ ۲. میزان شرکت در جبهه‌های جنگ در صورت جنگ؛ ۳.

میزان تمایل به زندگی در کشورهای خارجی؛ ۴. میزان تمایل به اخذ تابعیت کشورهای دیگر.

اعتماد: برای سنجش اعتماد از شاخص‌های زیر استفاده شد (برای سال‌های ۱۳۸۰، ۱۳۸۴، ۱۳۸۸ و ۱۳۹۴): ۱. اعتماد به دولت، ۲. اعتماد به شورا، ۳. اعتماد به قوه قضاییه، ۴. اعتماد به شهرداری، ۵. اعتماد به شورای نگهبان، ۶. اعتماد به مجلس و ۷. اعتماد به روحانیون (حکومتی و غیرحکومتی).

گسترده‌گی ایدئولوژی مسلط: برای اندازه‌گیری گسترده و وسعت ایدئولوژی مسلط از معرف‌های زیر استفاده شد^۱:

۱. برای سال ۱۳۹۴، شاخص‌های زیر از یافته‌های پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (گزارش کشوری) موج سوم (۱۳۹۴) استخراج شده است: ۱. میزان استفاده از تلویزیون ماهواره‌ای خارج از کشور و رسانه ایران برای کسب خبر؛ ۲. میزان اعتماد به تلویزیون ماهواره‌ای خارج از کشور و رسانه ایران؛ ۳. میزان موافقت با آرمان سیاسی آزادی قدس، ۴. میزان موافقت با استقلال‌طلبی، مشارکت‌افزایی و محرومیت‌زدایی انقلاب اسلامی، ۵. میزان موافقت با امنیت‌سازی ولایت‌فقیه (ولایت‌فقیه موجب امنیت می‌گردد) و ۶. میزان اعتماد نسبت به روحانیون حکومتی.

۲. برای سال ۱۳۸۸، شاخص‌های زیر از کتاب شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (۱۳۹۱) گرفته شده است: ۱. میزان شرکت در راهپیمایی ۲۲ بهمن؛ ۲. شرکت در راهپیمایی روز قدس؛ ۳. میزان شرکت در راهپیمایی روزهای خاص.

یافته‌های تحقیق

در این بخش ابتدا توصیفی از جامعه آماری ارائه شده و سپس تحلیل و تبیین‌ها ارائه می‌شود. بر اساس داده‌های موجود درباره مؤلفه‌های دینی، تا در ذیل وضعیت

۱. این اندازه‌گیری بر این امر دلالت دارد که کسانی از رسانه ملی استفاده کرده و به آن اعتماد دارند و با آرمان سیاسی آزادی قدس، امنیت‌افزایی ولایت‌فقیه، محرومیت‌زدایی، مشارکت‌افزایی و استقلال‌طلبی انقلاب موافق هستند، و همچنین دارای اعتماد زیاد به روحانیون حکومتی هستند؛ پذیرنده ایدئولوژی مسلط نظام هستند و برعکس کسانی که در این باره مخالف هستند، تحت تأثیر ایدئولوژی مسلط نبوده‌اند.

دینی استان‌ها را در سال ۱۳۸۴، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۴ ارائه می‌شود. بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده از مراکز استان‌ها، در سال ۱۳۸۹ زاهدان، قم، یزد و کرمان در بین مراکز استان‌ها با بیشترین میزان دین‌داری دارای رتبه‌های نخست هستند و مراکزی مانند رشت، شیراز، اهواز و تهران دارای کمترین میزان دین‌داری هستند.

جدول ۱: جایگاه نسبی استان‌ها نسبت به هم برحسب برخی از مؤلفه‌های دینی در سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۹ و ۱۳۹۴

رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	رتبه	استان
زیارت	قرائت	حضور	شرکت	شرکت	شرکت	شرکت	افراد	اهمیت	اهمیت	
رفتن	قران	در	در	در نماز	در نماز	در	فعال	خدا	دین	
۱۳۸۹	۱۳۸۹	مسجد	نماز جمعه	جماعت	جماعت	نماز جمعه	در	در	۱۳۸۴	
۲۰	۲۷	۲۵	۲۵	۱۴	۱۵	۲۵	۳	۲۲	۲۱	آذربایجان
۳۰	۱۷	۲۰	۲۰	۱۲	۱۲	۲۰	۱۱	۲۳	۹	آذربایجان
۲۴	۱۲	۸	۸	۲۵	۲۵	۸	۱۰	۶	۲	اردبیل
۱۴	۱۳	۲۳	۲۳	۲۰	۲۰	۲۳	۲۴	۱۰	۱۷	اصفهان
۲۷	۲۱	۲۷	۲۷	۲۴	۱۴	۱۲				البرز
۱	۲۲	۱۲	۱۲	۱۵	۲۴	۲۷	۱	۲۹	۳	ایلام
۴	۲۵	۶	۶	۷	۷	۶	۱۲	۱۹	۲۴	بوشهر
۱۹	۱۵	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۸	۲۰	۲۵	۲۳	تهران
۹	۶	۴	۴	۴	۴	۴	۳۰	۲۷	۲۵	چهارمحال
۱۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۸	خراسان
۷	۱۱	۱۶	۱۶	۱۱	۱۱	۱۶	۲۶	۲۶	۱۶	خراسان
۱۷	۲۸	۹	۹	۱۳	۱۳	۹	۶	۲۸	۶	خراسان
۱۳	۴	۱۴	۱۴	۱۰	۱۰	۱۴	۲۲	۷	۲۹	خوزستان
۳	۲۳	۱۵	۱۵	۱۸	۱۸	۱۵	۱۶	۱۱	۴	زنجان
۲۱	۸	۱۹	۱۹	۱۷	۱۷	۱۹	۸	۳	۱۲	سمنان

۳۱	۱	۱۱	۱۱	۶	۶	۱۱	۱۵	۱۷	۱۰	سیستان و
۲۹	۳۰	۳۰	۳۰	۲۶	۲۶	۳۰	۴	۳۰	۲۲	فارس
۲	۱۶	۲۱	۲۱	۲۲	۲۲	۲۱	۵	۱۳	۷	قزوین
۱۰	۱۰	۲۶	۲۶	۱۹	۱۹	۲۶	۱۳	۸	۲۷	قم
۸	۵	۱	۱	۱	۱	۱	۹	۱۲	۳۰	کردستان
۶	۱۴	۷	۷	۸	۸	۷	۲۳	۲۰	۲۶	کرمان
۲۶	۳۱	۳۱	۳۱	۳۱	۲۱	۱۸	۲۷	۱۸	۱۴	کهگیلویه
۱۶	۲۶	۱۸	۱۸	۲۱	۳۱	۳۱	۲۵	۱۴	۱۵	کرمانشاه
۲۵	۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۹	۲۸	۲۳	۲۸	گلستان
۱۱	۲۰	۱۳	۱۳	۳۰	۳۰	۱۳	۱۴	۱۶	۲۰	گیلان
۲۳	۱۹	۲۲	۲۲	۲۳	۲۳	۲۲	۱۸	۴	۱۸	لرستان
۲۸	۲۹	۲۴	۲۴	۲۷	۲۷	۲۴	۲۹	۲۱	۱۹	مازندران
۱۵	۲۴	۱۷	۱۷	۱۶	۱۶	۱۷	۱۷	۱	۱۱	مرکزی
۲۲	۳	۱۰	۱۰	۹	۹	۱۰	۱۹	۵	۱	هرمزگان
۵	۱۸	۵	۵	۵	۵	۵	۷	۹	۵	همدان
۱۸	۷	۳	۳	۳	۳	۳	۲۱	۱۵	۱۳	یزد

بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده از استان‌ها، در سال ۱۳۸۴، استان‌های خراسان جنوبی، اردبیل، همدان و سمنان بیشترین میزان دین‌داری را دارا هستند و مراکزى مانند چهارمحال بختیاری، گلستان، مازندران و کرمان دارای کمترین میزان دین‌داری هستند. همچنین در سال ۱۳۹۴، استان‌های یزد، بوشهر، همدان و سیستان و بلوچستان با بیشترین میزان دین‌داری را دارند و مراکزى مانند کرمانشاه، فارس، ایلام و مازندران دارای کمترین میزان دین‌داری هستند. استان‌های یزد، بوشهر، همدان و خراسان جنوبی در صدر دین‌داری و کرمانشاه، فارس، مازندران و البرز در پایین‌ترین میزان دین‌داری قرار دارند. در ادامه، توصیفی جدولی از متغیر وابسته تحقیق (مشارکت انتخاباتی) ارائه می‌شود. در اینجا تنها به دوره‌های اشاره شده که داده‌هایی برای متغیر مستقل (دین‌داری) در اختیار داریم.

جدول ۲: میزان مشارکت انتخاباتی ریاست جمهوری در ایران برحسب استان‌ها کشور

دوره پنجم	دوره یازدهم	دوره دهم	دوره نهم	دوره هشتم	دوره هفتم	میانگین
۶۹.۳	۷۳.۷	۸۱.۷	۴۶.۲	۵۱.۶	۵۳.۰۷	آذربایجان شرقی
۶۸.۷	۶۹.۲	۷۰.۹	۳۷.۱	۴۴	۵۶.۴	آذربایجان غربی
۷۳.۱	۷۴.۷	۷۹.۸	۴۹	۵۴	۵۸	اردبیل
۷۴	۷۶.۶	۸۸.۳	۵۹.۶	۵۸.۳	۶۰.۸	اصفهان
۷۹.۱	۷۶.۱					البرز
۷۷.۴	۸۴.۱	۸۷.۴	۶۶.۸	۸۰.۴	۷۷.۱	ایلام
۷۷.۶	۸۷.۲	۸۵.۱	۶۶.۵	۷۲.۳	۷۱.۳	بوشهر
۶۶.۲	۶۸.۱	۸۵.۶	۶۵.۲	۶۳.۷	۶۸.۱	تهران
۷۲.۴	۷۹.۲	۸۸.۲	۶۴.۳	۶۴.۹	۶۵.۶	چهارمحال بختیاری

۸۵.۲	۸۹.۳	۸۲	۷۱.۹	۷۰.۵		خراسان جنوبی
۷۷.۴	۸۰	۸۶.۸	۶۴	۷۱	۷۵.۷	خراسان رضوی
۸۰.۷	۸۸.۴	۸۷.۲	۵۵.۷	۶۳.۶		خراسان شمالی
۶۴.۴	۶۷	۷۲.۸	۵۱.۲	۵۵.۱	۵۹.۳	خوزستان
۷۴.۱	۸۴.۸	۹۲.۶	۶۱	۶۵.۲	۶۸.۹	زنجان
۸۰.۵	۸۱	۸۷.۸	۷۴.۲	۷۳.۵	۷۸	سمنان
۷۵.۴	۷۷.۵	۷۵.۲	۶۳.۸	۷۴.۱	۷۰.۱	سیستان و بلوچستان
۷۳.۴	۷۶.۹	۸۸.۸	۵۸.۳	۶۱.۴	۶۸.۱	فارس
۸۲.۹	۸۲.۷	۹۲.۴	۶۷	۶۹.۲	۷۴.۷	قزوین
۷۸.۱	۸۲	۹۱.۳	۷۷.۳	۷۷	۷۷	قم
۵۸.۷	۶۴.۴	۶۴.۷	۲۴.۹	۳۷.۴	۵۳.۴	کردستان
۷۴.۲	۸۱.۴	۸۷.۴	۷۷.۹	۷۸	۷۰.۷	کرمان
۶۹.۶	۷۴.۸	۷۹.۹	۵۱.۲	۵۵.۴	۶۳.۶	کرمانشاه
۷۱.۲	۷۱.۶	۸۸.۵	۷۶.۱	۷۷.۹	۷۶.۶	کهگیلویه و بویراحمد
۷۷.۳	۸۱.۸	۸۳.۱	۶۰.۵	۶۵.۸	۷۵.۳	گلستان
۸۲.۸	۸۴.۷	۹۴.۳	۵۸.۵	۵۸.۴	۶۵.۱	گیلان
۶۰.۱	۷۱	۸۵.۷	۶۰.۴	۶۷.۲	۶۵	لرستان
۹۰.۹	۹۶.۲	۱۰۰	۶۵.۳	۶۵.۲	۶۸.۶	مازندران
۷۴.۹	۸۰	۸۸.۷	۶۰.۶	۶۲.۱	۶۳.۹	مرکزی
۷۸.۶	۷۹.۸	۸۲.۳	۶۷.۵	۷۸.۳	۷۶.۳	هرمزگان
۶۸.۸	۶۹.۱	۸۱.۱	۵۷.۵	۶۲.۳	۶۳	همدان
۹۳.۴	۸۶.۸	۱۰۰	۷۵.۵	۷۶	۸۹.۲	یزد
<p>۱ مرحله اول انتخابات نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و ۲ مرحله دوم انتخابات نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری</p>						

برای کل دوره‌ها، استان‌های خراسان، قم و یزد بیشترین مشارکت انتخاباتی و استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و سیستان و بلوچستان کمترین مشارکت انتخاباتی را دارا هستند. با تحلیل عاملی کل دوره‌های دوازده‌گانه، دوره‌های ۸ تا ۱۲ بر روی یک عامل و دوره‌های ۱ تا ۷ بر روی یک عامل بار گردید. برای دوره‌های اول تا هفتم، استان‌ها لرستان، ایلام و سمنان بیشترین و استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و کرمانشاه کمترین و برای دوره‌های هشتم تا دوازدهم استان‌های یزد، مازندران و قم بیشترین و استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و خوزستان کمترین مشارکت انتخاباتی را دارا هستند. قابل ذکر است که مشارکت در استان‌های لرستان، همدان، مرکزی و ایلام در طول دوازده دوره کم شده و یک نوع رابطه معکوس بین دوره‌ها و میزان مشارکت انتخاباتی وجود دارد.

در اینجا ضرورت دارد تا توصیفی از روابط بین مؤلفه‌های دین‌داری و میزان مشارکت انتخاباتی ارائه شود. روابط به‌دست‌آمده از واقعیات نشان می‌دهد که رابطه بین مؤلفه‌های دین‌داری و میزان مشارکت انتخاباتی برحسب قومی بودن، مرزی بودن، دوره‌ها و استان‌ها متفاوت است. میزان مشارکت انتخاباتی در استان‌های مرزی و غیر مرزی و قومی و غیر قومی بودن تفاوت معناداری ندارد؛ آنچه معنادار است رابطه دین‌داری با مشارکت انتخاباتی است که برحسب اینها (مرزی بودن و دارای ترکیب قومی، دوره‌ها و استان‌ها) متفاوت است. رابطه بین دین‌داری و مشارکت انتخاباتی برحسب وجود قومیت تغییر می‌کند. به‌عنوان نمونه رابطه بین مشارکت انتخاباتی و میزان ادای نماز، شرکت در نماز جمعه و جماعت، میزان گرفتن روزه، میزان پرداخت خمس، میزان حضور در مسجد، میزان استخاره گرفتن، قرائت قرآن، روزه رفتن، اعتقاد به معاد، ارادت به اهل بیت، امر به معروف و غیره در استان‌های دارای تنوع قومی، معکوس و در استان‌های غیر قومی، مستقیم است. همچنین رابطه بین متغیرها برحسب استان‌های مرزی و غیر مرزی متفاوت است. به‌عنوان نمونه رابطه میزان شرکت در نماز جماعت و میزان مشارکت انتخاباتی در استان‌های مرزی معکوس و در استان‌های غیر مرزی مستقیم است.

این امر برای میزان شرکت در نماز جمعه، میزان اعتقاد به معاد، میزان اعتقاد به پیامبر و اهل بیت، میزان قرائت قرآن، میزان امر به معروف نیز صادق است. رابطه بین دین داری و مشارکت انتخاباتی بر حسب دوره انتخابات نیز تغییر می کند. در دوره هشتم ریاست جمهوری (سال ۱۳۸۰) رابطه مستقیمی بین میزان شرکت در نماز جمعه و مشارکت انتخاباتی وجود دارد؛ در حالی که در دوره دهم ریاست جمهوری (سال ۱۳۸۸) رابطه معکوس بین آنها وجود داشته و در دوره یازدهم ریاست جمهوری رابطه معناداری بین دین داری و میزان مشارکت انتخاباتی وجود ندارد.

جدول ۳: ضریب همبستگی مرتبه صفر بین مؤلفه های دین داری و میزان مشارکت

انتخاباتی بر حسب دوره انتخابات

مشارکت انتخاباتی	مشارکت انتخاباتی	مشارکت انتخاباتی	دین داری
۱۳۹۲	۱۳۸۸	۱۳۸۴	
-۰.۰۲۲	-۰.۳۶۳*	۰.۴۱۲*	میزان شرکت در نماز جمعه

توصیف روابط دین داری و مشارکت انتخاباتی

در ابتدا لازم است که همبستگی های متغیرهای دین داری و مشارکت انتخاباتی را در سال ۱۳۸۰ ملاحظه نماییم.

جدول شماره ۴: ضرایب همبستگی میزان مشارکت انتخاباتی ۱۳۸۰ و شاخص های

دین داری سال ۱۳۷۹ در مراکز استان ها

میزان مشارکت انتخاباتی ۱۳۸۰	شاخص های دین داری
۰.۴۰۰*	میزان اعتقاد به معاد
۰.۴۱۱*	میزان شرکت در نماز جمعه سال ۱۳۷۹
۰.۶۰۸**	میزان شرکت در نماز جماعت ۱۳۷۹
۰.۴۸۰**	میزان انجام واجبات دینی (نماز، روزه) سال ۱۳۷۹
-۰.۵۰۰*	میزان سکولاریسم سال ۱۳۸۰
۰.۲۹۲*	میزان دین داری سال ۱۳۸۰
-۰.۳۵۲*	هرچند وقت یکبار احساس می کنید که به خدا نزدیک شده اید؟
-۰.۱۰۳	هرچند وقت یکبار از خدا می خواهید که به شما کمک کند؟

* معنادار در سطح .۰۵ (آزمون یک دامنه) ** معنادار در سطح .۰۱ (آزمون یک دامنه).
منبع: خالد و همکار، ۱۳۹۴؛ طالبان و رفیعی بهابادی، ۱۳۹۰ و دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۰)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول)

همبستگی بین متغیرها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۰ رابطه مستقیمی بین دین‌داری استان‌ها و میزان مشارکت انتخاباتی وجود دارد. به این معنا که با افزایش افراد دین‌دار در استان، مشارکت انتخاباتی افزایش می‌یابد. آنچه جالب توجه است؛ تأثیر به مراتب بیشتر جنبه جمعی و اجتماعی دین در مشارکت انتخاباتی است. رابطه جنبه فردی دین‌داری (اعتقاد به معاد و انجام واجبات دینی نماز و روزه) با مشارکت انتخاباتی ۰.۴۸۰ است؛ درحالی‌که رابطه گویه‌های معرف اجتماعی دین ۰.۶۰۸ است. نکته جالب توجه اینکه دو گویه که جنبه احساسی و پیامدی دین‌داری (جنبه کاملاً شخصی) را می‌سنجند، تأثیر منفی در مشارکت انتخاباتی دارد. به این معنا که با افزایش چنین افرادی در استان، میزان مشارکت انتخاباتی کم می‌گردد.

جدول شماره ۵: ضرایب همبستگی میزان مشارکت انتخاباتی ۱۳۸۴ و شاخص‌های

دین‌داری سال ۱۳۸۴ در مراکز استان‌ها

شاخص‌ها	میزان مشارکت در مرحله اول دوره نهم
میزان افرادی که خدا در زندگی آن‌ها مهم است	۰.۶۳۸**
میزان افرادی که دین در زندگی آن‌ها مهم است	۰.۴۸۶**
میزان افرادی که فراگیری ایمان مذهبی به فرزندان را مهم	۰.۳۷۶*
میزان افراد فعال در مساجد و اماکن مذهبی	۰.۴۰۸*
میزان افرادی که برای ادای نماز به مسجد می‌روند	۰.۶۱۸**
میزان افرادی که مدعی هستند که مذهبی هستند	۰.۳۹۰*
میزان افرادی که نماز می‌خوانند	۰.۵۲۳**

* معنادار در سطح .۰۵ (آزمون یک دامنه) ** معنادار در سطح .۰۱ (آزمون یک دامنه)

Source: <http://www.worldvaluessurvey.org/WVSDocumentationWV۵.jsp>

در ادامه روابط بین مؤلفه‌های دین‌داری و مشارکت انتخاباتی را در سال ۱۳۸۴ توصیف شد. اکثر روابط مستقیم هستند؛ به این معنا که با افزایش شاخص‌های دین‌داری، میزان مشارکت انتخاباتی افزایش می‌یابد. تنها رابطه غیرقابل تطبیق با

بقیه روابط، رابطه میزان افراد فعال در مساجد و اماکن مذهبی است که رابطه معکوس (منفی) با مشارکت انتخاباتی دارد (۰.۴۰۸-).

جدول ۶: ضرایب همبستگی مرتبه صفر میزان مشارکت انتخاباتی و میزان شرکت در

نماز جمعه

شاخص دینداری	میزان مشارکت انتخاباتی ۱۳۸۸
میزان شرکت در نماز جمعه سال ۱۳۸۹	*۰.۳۳۹-
درصد افرادی که همیشه در جماعت نماز صبح شرکت می کنند	*۰.۳۴۱-
درصد افرادی اصلاً که در مراسم دینی شرکت نکرده اند	**۰.۶۰۹-
درصد افرادی که برای زیارت به مشهد نمی روند	*۰.۳۲۷-
درصد افرادی که برای زیارت به قم نمی روند	*۰.۳۱۹-
درصد افرادی که برای زیارت امامزاده ها نمی روند	**۰.۶۲۷-
درصد افرادی که قران می خوانند	**۰.۴۶۸۰
درصد افرادی که مداحی گوش می دهند	*۰.۴۹۰
درصد افرادی که ۱۰۰ درصد روزه گرفته اند	*۰.۴۹۰**
* معنادار در سطح ۰.۰۵ (آزمون یک دامنه) ** معنادار در سطح ۰.۰۱ (آزمون یک دامنه)	

بین میزان مشارکت انتخاباتی ۱۳۸۸ و میزان شرکت در نماز جمعه در سال ۱۳۸۹ رابطه منفی است به این معنا که با افزایش میزان افرادی که در نماز جمعه شرکت می کنند، از میزان مشارکت کاسته می شود. میزان مشارکت انتخاباتی ۱۳۸۸ و شرکت در نمازهای جماعت در سال ۱۳۸۹ رابطه منفی وجود دارد. این مطلب برای نماز جماعت صبح معنادار است. به این معنا که با افزایش افرادی که در نماز جماعت صبح شرکت می کنند، از میزان مشارکت انتخاباتی کاسته می شود و با افزایش تعداد افرادی که در نماز جماعت صبح شرکت نمی کنند، به میزان مشارکت انتخاباتی افزوده می شود. این مطلب برای نماز جماعت ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشاء صادق است هر چند که معنادار نیست. میزان مشارکت انتخاباتی ۱۳۸۸ و شرکت در مراسم در سال ۱۳۸۹ رابطه مثبت و مستقیمی وجود دارد. به عبارتی با افزایش تعداد افراد مراسم رو میزان مشارکت انتخاباتی افزایش می یابد. همچنین بین میزان مشارکت انتخاباتی ۱۳۸۸ و میزان روزه گرفتن در سال ۱۳۸۹

رابطه مثبت و مستقیمی جود دارد. با افزایش کسانی که روزه خود را کامل می‌گیرند، میزان مشارکت انتخاباتی در استان افزایش می‌یابد.

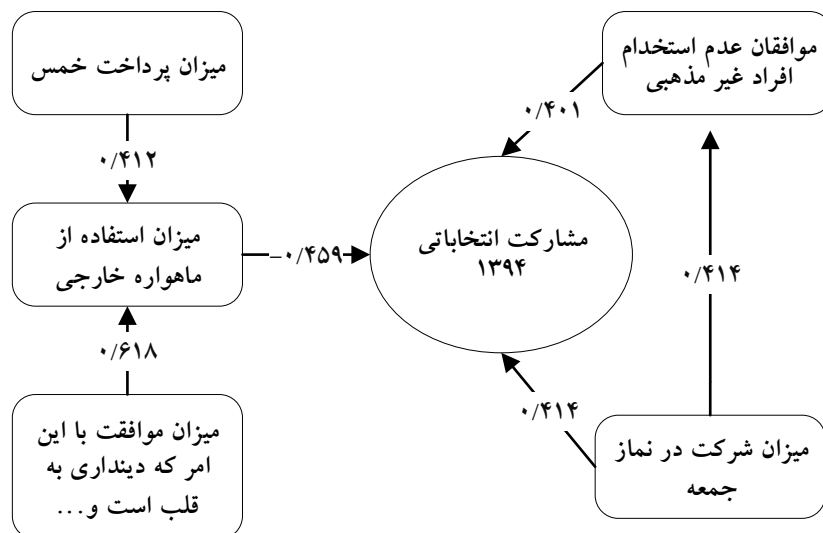
جدول ۷: ضرایب همبستگی پیرسون میزان مشارکت انتخاباتی و مؤلفه‌های دین‌داری (۱۳۹۴)

شاخص‌های دین‌داری	میزان مشارکت انتخاباتی
دین‌داری جمعی	*۰.۳۸۴
دین‌داری فردی	۰.۰۴۱
میزان نمازخواندن	*۰.۳۷۴
میزان روزه گرفتن	**۰.۳۸۸
میزان شرکت در نماز جمعه	**۰.۴۱۹
میزان حضور در مسجد	*۰.۴۱۸
موافقت با دین‌داری به قلب پاک است ...	*-۰.۴۰۲
میزان استخاره گرفتن	*-۰.۴۷۹
* معنادار در سطح ۰.۰۵ (آزمون یک دامنه) ** معنادار در سطح ۰.۰۱ (آزمون یک دامنه)	

جدول فوق ضریب همبستگی پیرسون بین مشارکت انتخاباتی و مؤلفه‌های دین‌داری را در سال ۱۳۹۴ نشان می‌دهد. رابطه مهم و معناداری بین مشارکت انتخاباتی و مؤلفه‌های دین‌داری وجود دارد. روابط منفی و معکوس بین مؤلفه‌های دین‌داری خصوصی و شخص و روابط مستقیم بین میزان ادای نماز، روزه و شرکت در نماز جماعت و جمعه‌میین و نمایانگر تأثیر مؤلفه‌های جمعی دین‌داری است.

آزمون فرضیه‌ها

در تحلیل مسیر و ضریب رگرسیونی مشخص گردید که میزان شرکت در نماز جمعه تأثیر مستقیم بر روی مشارکت انتخاباتی دارد. این مؤلفه از طریق افزایش و کاهش موافقان عدم استخدام افراد غیرمذهبی نیز بر مشارکت انتخاباتی تأثیر دارد. میزان پرداخت خمس و میزان موافقت با این گویه که دین‌داری به قلب است و... به‌عنوان دو مؤلفه دین‌داری از طریق میزان استفاده از ماهواره بر روی مشارکت اثر دارد.



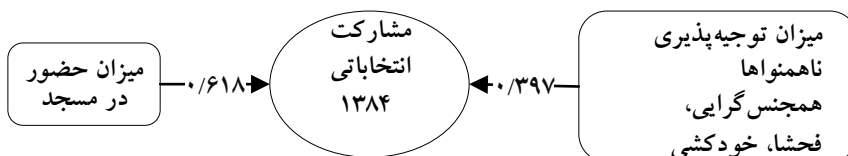
نمودار ۲: تحلیل مسیر مشارکت انتخاباتی ۱۳۹۴

در سال ۱۳۸۰ میزان شرکت در نماز جمعه تأثیر بیشتری بر مشارکت انتخاباتی داشته است و میزان احساس نزدیکی به خداوند نیز تأثیر منفی بر مشارکت انتخاباتی دارد.



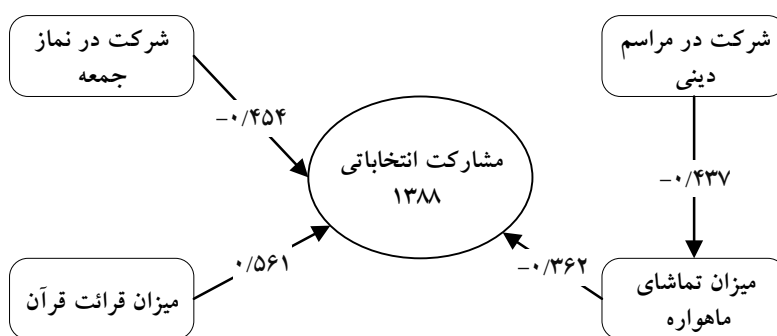
نمودار ۳: تحلیل مسیر مشارکت انتخاباتی سال ۱۳۸۰

در سال ۱۳۸۴ میزان حضور در مسجد بر مشارکت انتخاباتی تأثیر داشته است و میزان توجه پذیری ناهمنواها، همجنس گرایی، فحشا، خودکشی



نمودار ۴: تحلیل مسیر مشارکت انتخاباتی سال ۱۳۹۴

در سال ۱۳۸۸، نیز مشارکت انتخاباتی تحت تأثیر میزان شرکت در نماز جمعه، میزان شرکت در مراسم‌های مذهبی و میزان قرائت قرآن بوده است. میزان تماشای ماهواره خارجی اثر کاهنده بر مشارکت انتخاباتی داشته است.



نمودار ۵: تحلیل مسیر مشارکت انتخاباتی سال ۱۳۸۸

میزان شرکت در نماز جمعه رابطه منفی با میزان مشارکت انتخاباتی استانی دارد. میزان قرائت قرآن تأثیر مستقیم بر مشارکت دارد. میزان شرکت در مراسم مذهبی از طریق کاهش میزان تماشای ماهواره تأثیر مثبتی در مشارکت دارد. ادعای فرضیه اول این بود که دین از طریق ایجاد شکاف و اختلاف (جنگ‌افزایی) بین افراد؛ موجب می‌گردد که افراد برای مبارزه با افراد مخالف خود در صحنه انتخابات شرکت نمایند. انتخابات فضای درگیری دینی است تا درگیری سیاسی. به عبارت دیگر، دین از طریق دشمن‌تراشی و اختلاف‌افکنی بین دوست و دشمن افراد را وادار به مشارکت می‌کند. این امر به انکار این واقعیت نمی‌پردازد که افراد برحسب عدم عقلانیت ارزش‌شناختی در انتخابات مشارکت می‌کند. با عنایت به داده‌های موجود و در دسترس، برای سنجش شاخص شکاف‌سازی، اختلاف‌افکنی، دشمن‌تراشی و جنگ‌افزایی؛ از نگرش استان‌ها نسبت به مسائل و موضوعات فرهنگی اخلاقی همچون روابط دختر و پسر، میزان موافقت با حجاب اجباری؛ میزان موافقت با عدم اجازه به سخنانی‌های ضد دینی و عدم

نشر کتب ضد دینی؛ میزان پذیرش همجنس‌گرایان، دائم‌الخمرها، همباشی‌ها به‌عنوان همسایه؛ میزان رواج ازدواج بدون فرزند و میزان توجیه‌پذیری همجنس‌گرایی، فحشا، خودکشی و سقط جنین استفاده شد.

با افزایش افرادی که دارای تعصب دینی زیادی هستند، میزان مشارکت انتخاباتی نیز افزایش می‌یابد (در جدول از دو گویه میزان موافقت با عدم نشر کتب ضد دینی و عدم اجازه به سخنرانی‌های ضد دینی استفاده شد).

تنها رابطه معنادار میزان توجیه‌پذیری نا هم‌نوایی‌های دینی با مشارکت انتخاباتی است. هرچند در گویه‌های ترکیب‌شونده این شاخص (اجزای متغیر) چنین روابطی نیز برقرار است. با افزایش میزان توجیه‌پذیری این موارد در استان‌ها، میزان مشارکت انتخاباتی نیز افزایش می‌یابد. این یافته برخلاف یافته‌های سال ۱۳۸۰ است که رابطه مستقیمی بین تعصب دینی و مشارکت انتخاباتی داشت (۰/۴۲۴). در سال ۱۳۸۰، در استان‌هایی که موافقت بیشتری با عدم نشر کتب ضد دینی و عدم اجازه به سخنرانی‌های ضد دینی داشتند، میزان مشارکت انتخاباتی افزایش می‌یافت. در سال ۱۳۸۴ با افزایش افراد دارای تساهل دینی (توجیه‌پذیری نا هم‌نوایی‌های از قبیل همجنس‌گرایی، فحشا و...)، مشارکت انتخاباتی افزایش می‌یابد. رابطه توجیه‌پذیری و پذیرش چنین مواردی نیز منازعه را بیشتر تحریر می‌کند؛ زیرا در سال ۱۳۸۰ عدم نشر و مجوز به فعالیت‌های ضد دینی مورد سؤال قرار گرفته بود. درحالی‌که در سال ۱۳۸۴ هم توجیه‌پذیری چنین مواردی سؤال شده است و هم پذیرش آن. توجیه‌پذیری عمل از نظر زمانی تقدم دارد به پذیرش امری؛ به این معنا که تا شخص نظرش درباره امری تغییر نکند، آن را نمی‌پذیرد؛ ولی عکس آن صادق نیست. رابطه غیرمستقیم و نا معنادار و ضعیف مشارکت انتخاباتی با میزان پذیرش همجنس‌گرایان به‌عنوان همسایه (ضریب ۰/۱۹۸-) نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی که بین تعصب دینی و مشارکت انتخاباتی در سال ۱۳۸۰ برقرار است؛ در سال ۱۳۸۴ وجود ندارد. این امر نشان می‌دهد که استان‌های که درباره همجنس‌گرایی، فحشا، سقط جنین و خودکشی دیدگاه متساهل‌تری دارند و آن‌ها را توجیه می‌کنند، نسبت به بقیه استان‌ها مشارکت انتخاباتی بیشتری دارند

که در نظر به معنای رد دیدگاه جنگ‌های فرهنگی است. در تحلیل مسیر و ضریب رگرسیونی برای سال ۱۳۹۴ نیز تأثیر افزایشی میزان شرکت در نماز جمعه بر روی مشارکت انتخاباتی از طریق میزان موافقان عدم استخدام افراد غیرمذهبی، نشان‌دهنده تأیید فرضیه اول تحقیق است.

جدول ۸: ضرایب همبستگی میزان مشارکت انتخاباتی و تعصب دینی و نا

هم‌نوایی‌های دینی

شاخص	میزان مشارکت انتخاباتی
میزان موافقت با عدم اجازه به سخنرانی‌های ضد دینی ۱۳۷۹	*۰.۴۳۳
میزان موافقت با عدم نشر کتب ضد دینی ۱۳۷۹	*۰.۴۰۷
تعصب دینی استان‌ها ۱۳۷۹	*۰.۴۲۴
میزان توجیه‌پذیری موارد فوق‌الذکر (سال ۱۳۸۴)	*۰.۳۹۷

* معنادار در سطح ۰.۰۵ (آزمون یک دامنه)

منبع: خالد و همکار، ۱۳۹۴؛ طالبان و رفیعی بهابادی، ۱۳۹۰ و دفتر طرح‌های ملی (۱۳۸۰)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (موج اول)

بر اساس ادعای فرضیه دوم که دین از طریق اجتماع‌سازی و علقه در بین افراد؛ موجب می‌گردد که افراد بر اساس چنین تعلق و فشار هنجاری در انتخابات شرکت نمایند؛ ما هیچ رابطه‌ای مهمی نیافتیم.

فرضیه سوم مدعی بود که دین از طریق ایجاد سرمایه اجتماعی (اعتمادسازی) موجب افزایش مشارکت انتخاباتی می‌گردد. تنها رابطه معنادار بین مشارکت انتخاباتی، میزان اعتماد به شهرداری بود (با ضریب بتای ۰.۴۱۴). متغیر تأثیرگذار در میزان اعتماد به شهرداری، میزان روزه گرفتن است با ضریب بتای ۰.۳۷۱؛ بنابراین، ادعای فرضیه سوم نیز تا حدودی تأیید می‌شود.

بررسی ادعای فرضیه چهارم نشان داد که تنها رابطه مهم در سال ۱۳۹۴، رابطه بین میزان مشارکت انتخاباتی و شاخص‌های فوق میزان استفاده از ماهواره خارج از کشور با ضریب بتا ۰.۴۵۹- است. در ادامه آزمون این فرضیه مشخص گردید که متغیرهای تأثیرگذار در میزان تماشای تلویزیون ماهواره خارجی به ترتیب اثر عبارت‌اند از: میزان موافقت با "دین‌داری به قلب پاک است، حتی اگر آدم نماز نخواند" با ضریب بتای ۰.۶۸۲ و میزان پرداخت خمس و زکات با ضریب بتای

۰۴۱۲. همچنین در سال ۱۳۸۸ مشاهده شد که میزان شرکت در مراسم دینی از طریق کاهش میزان تماشای ماهواره، موجب افزایش مشارکت انتخاباتی شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

تأثیر متفاوت و متباین میزان شرکت در نماز جمعه بر روی مشارکت انتخاباتی در سال ۱۳۸۸ بر اساس دلایل و احتجاجات سیاسی و افکار عمومی بدینانه از قبیل اینکه انتخابات ۱۳۸۸، یک انتخاب دیگری بود که به کودتا^۱ شبیه بود تا انتخابات؛ مبین این تفاوت است که در انتخابات ۱۳۸۸، برخلاف انتخابات ۱۳۸۰، ۱۳۸۴ و ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶، استان‌هایی که بیشتر در نماز جمعه شرکت کرده‌اند، مشارکت در انتخابات کمتر از بقیه استان‌هایی بوده است که کمتر در نماز جمعه شرکت کرده‌اند. حال ممکن است که افراد برای مخالفت با چنین نمایش گسترده شرکت در نماز جمعه، از طریق تحریم انتخابات، میزان مشارکت کمتری داشته باشند. در این تحلیل، فرد بر اساس چنین برداشتی از واقعیت، برای دهن کجی به نظام، چنین عملی (در واقع ترک فعل و حرکت سلبی) را انجام می‌دهد. چنین تحلیل‌هایی که مبتنی بر تفسیرهای کنش‌کنش‌گران است؛ فرضی را می‌پذیرد که رأی‌دهنده بر اساس عقلانیت معطوف به ارزش، تصمیم می‌گیرد که شرکت نکند. رأی ندادن شخص به خاطر این است که میزان مشارکت را پایین بیاورد. فرضی که پذیرفتن آن مشکل است؛ زیرا در انتخابات ۱۳۸۸ نرخ مشارکت در بالاترین حد خود در طی دوره ۴۰ ساله جمهوری اسلامی است.

تحلیل دیگر مبتنی بر رابطه علت و معلول را به نوعی عوض نماید. به دلیل اینکه ما از داده‌های دین‌داری گردآوری شده در سال ۱۳۸۹ استفاده کردیم و علت نمی‌تواند بر معلول تقدم زمانی داشته باشد؛ رابطه معکوس بین دین‌داری و

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره نظر خاتمی، جبهه مشارکت، عباس میلانی، ابراهیم یزدی و گری سیک مراجعه نمایید به سایت ویکی‌پدیا به آدرس زیر:

۱۳۸۸ _خرداد_ ۲۲ _کودتای = [https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=](https://fa.wikipedia.org/w/index.php?title=&oldid=۲۲۸۹۶۱۴۲) &oldid=۲۲۸۹۶۱۴۲)

مشارکت انتخاباتی را این‌گونه تحلیل می‌کند که کاهش میزان شرکت در نماز جمعه در سال ۱۳۸۹ نتیجه و معلول میزان بالای مشارکت انتخاباتی و محصول بدبینی مشارکت‌کنندگان در انتخابات ۱۳۸۸ است. با عنایت به این مطلب که حوادث سال ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ در پی مسائل و مشکلات انتخابات ۱۳۸۸ روی داد، در استان‌هایی که در مشارکت انتخاباتی بالای داشتند، نوعی فضای بدبینی ایجاد نمود و مردم را نسبت به دین بدبین نمود و در نهایت موجب کاهش شرکت در نماز جمعه شد. رابطه بین دو متغیر میزان شرکت در نماز جمعه سال ۱۳۸۰ و میزان شرکت در نماز جمعه سال ۱۳۸۸ مساوی با ۰.۷۳۴ است که نشان از ارتباط قوی بین آنها دارد.

تحلیل دیگر این است که بپذیریم که دین و به تبع آن میزان دین‌داری تا حد معین و مشخصی تأثیر دارد و زمانی که مشارکت انتخاباتی از حد خاصی می‌گذرد، تأثیر دین کاهش یافته و ممکن است نتیجه معکوس دهد.^۱ اگر این تحلیل را بپذیریم که تأثیر دین‌داری تا حد خاصی است و بیش از آن تأثیر ندارد، به این معنا که در جامعه میزان خاص و ویژه‌ای از دین‌داران وجود دارند که همیشه همین تعداد در انتخابات شرکت می‌کنند. در عبارت فرضی، اگر در جامعه مشارکت مردم در انتخابات ۸۵ درصد باشد و ۷۰ درصد جامعه ایرانی در حد زیاد و متوسط اهتمام دینی داشته باشند؛ نقطه اشتراک این دو میزان بیشتر از ۷۰ درصد نخواهد بود و افزایش مشارکت انتخاباتی بیشتر از ۷۰ درصد به احتمال زیاد متأثر از میزان دین‌داری نخواهد بود و ممکن است که مشارکت ۳۰ درصد جامعه در انتخابات که در حد پایینی دین‌داری دارند، باعث گردد که رابطه قبلی تغییر نماید؛ بنابراین با افزایش مشارکت انتخاباتی از حد خاصی، نتیجه تأثیر دین‌داری نبوده و ممکن است تأثیر متفاوت بر روی مشارکت داشته باشد. این مطلب از

۱. قابل ذکر است رابطه منفی (معکوس) بین میزان شرکت در نماز جمعه و مشارکت انتخاباتی در سال ۱۳۸۸، با توجه به این امر که میزان مشارکت انتخاباتی در سال ۱۳۸۸، بیشتر از سایر دوره‌های انتخاباتی بوده است.

سوی برخی از محققانی (شریف‌زاده، ۱۳۹۵) که روی مشارکت انتخاباتی تحقیق کرده‌اند، تا حدودی اثبات شده است.

میزان دین‌داری به‌عنوان متغیر اصلی و مستقل این مقاله، تأثیر بسزا و متفاوتی در مشارکت انتخاباتی دارد. در مورد تأثیر مستقیم این متغیر می‌توان گفت؛ مؤلفه‌های دینی مانند میزان شرکت در نماز جمعه، شرکت در نماز جماعت، میزان حضور در مساجد و میزان قرائت قرآن تأثیر مستقیمی (مثبت) بر مشارکت انتخاباتی دارند. برخی از مؤلفه‌های دینی مانند شرکت در نماز جمعه در سال ۱۳۸۸ و احساس نزدیکی به خداوند در سال ۱۳۸۰ تأثیر منفی بر مشارکت انتخاباتی دارند. برخی از مؤلفه‌های نیز تأثیر غیرمستقیم بر مشارکت انتخاباتی دارند؛ مانند میزان پرداخت خمس، میزان موافقت با این گویه که دینداری به قلب پاک است، حتی اگر آدم نماز نخواند، میزان قرائت قرآن و میزان شرکت در مراسم دینی.

از جنبه نظری نیز تحقیق نشان می‌دهد که از بین نظریه‌های یادشده دو نظریه جنگ‌های فرهنگی و ایدئولوژی مسلط توان بیشتری برای توضیح تأثیر دینداری بر مشارکت انتخاباتی دارند. تأثیر میزان مخالفان استخدام افراد غیر مذهبی که متأثر از شرکت در نماز جمعه است؛ تأییدکننده نظریه جنگ‌های فرهنگی است. تأثیر منفی میزان تماشای ماهواره و میزان شرکت در راهپیمایی در ترجیح انتخاباتی مؤیداتی برای نظریه ایدئولوژی مسلط هستند. درباره مکانیسم نظری تأثیر شرکت در نماز جمعه بر مشارکت انتخاباتی، لازم به ذکر است که این متغیر نیز در چارچوب نظریه ایدئولوژی مسلط قابل تحلیل است؛ زیرا بر اساس این امر که نماز جمعه امر دینی - سیاسی است تا دینی صرف و خطبه‌های آن نیز بر اساس عبادی و سیاسی تعریف می‌شود و هدف آن معرفی و تحکیم روابط سیاسی در جامعه و برپایی امت اسلامی است که بر اساس شریعت و فهم فقها از سیاست بنا می‌شود، می‌توان چنین گفت که تأثیر مستقیم شرکت در نماز جمعه مؤید این نظریه است که دین از طریق ایدئولوژی مسلط بر مشارکت انتخاباتی تأثیر دارد. قابل توجه است که شرکت در نماز جمعه از طریق افزایش مخالفت با استخدام افراد غیر مذهبی، مؤیدی است برای تأیید نظریه جنگ‌های فرهنگی. باین حال، عدم نیاز

به مکانیسم میانی برای ایدئولوژی مسلط، در برقراری پیوند بین شرکت در نماز جمعه و میزان مشارکت انتخاباتی قابل توجه است که تأثیر نماز جمعه در مشارکت انتخاباتی خود مبین تأیید نظریه ایدئولوژی مسلط است و خواهان مکانیسم دیگری نیست.

در مورد شرکت در نماز جماعت و عدم مکانیسم‌های جوش‌دهنده شرکت در نماز جماعت و میزان مشارکت انتخاباتی قابل توجه است که شرکت در نماز جماعت به صورت مستقیم تأثیر دارد و از طریق هیچ مکانیسم و سازه نظری (اجتماع‌سازی، اعتمادسازی، جنگ افزایی و مشروعیت‌زایی) بر مشارکت انتخاباتی تأثیری ندارد. به عبارت دیگر مکانیسم‌های نظری تعبیه‌شده برای انتقال تأثیر این متغیر بر مشارکت انتخاباتی چندان کارا نبوده و قادر نیستند تأثیر این متغیر را توضیح دهند.

کتابنامه

- ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۴)، نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح طلبی یا محافظه کاری)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۶۹، صص ۱-۴۲
- آخوندی، حسینعلی (۱۳۹۰) بررسی جامعه‌شناختی میزان دین‌داری و رفتار سیاسی (رفتار انتخاباتی و الگوهای رأی‌دهی) مطالعه مورد دانشگاه زاهدان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان.
- استامپ، النور. ویلیام پی. آلستون (۱۳۸۲) درباره دین، مترجم مالک حسینی و محمد منصور هاشمی، تهران، نشر هرمس.
- امام‌جمعه زاده، سید جواد؛ کرمی راد، جواد (۱۳۹۱) تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر رفتار انتخاباتی با نگاهی به ایران، پژوهش‌های سیاسی، شماره ۳، صص ۹-۳۶
- امام‌جمعه زاده، سید جواد، محمود اوغلو، رضا و عیسی‌نژاد، امید (۱۳۸۹)، بررسی رابطه دین‌داری و مشارکت سیاسی دانشجویان، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۲۱
- امام‌جمعه زاده، سید جواد؛ رهبر قاضی، محمود رضا؛ برزگر قاضی، کمال؛ صادقی نقدعلی، زهرا (۱۳۹۲)، بررسی رابطه میان دین‌داری و رفتار انتخاباتی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه تبریز)، فصلنامه علمی پژوهشی قدرت نرم، دوره ۳، شماره ۸
- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران: کویر
- اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین (۱۳۸۹)، نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: کویر
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران: نشر نی
- بهمنی طراز، غدیر (۱۳۷۹)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه‌های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.

- پرچمی، داوود (۱۳۸۶)؛ بررسی مشارکت مردم در نهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۳، صص ۳۷-۸۲
- تیموری، عباد، اکبری، نعمت‌الله و سعید نادری (۱۳۹۴)، تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر میزان مشارکت در انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در سال ۱۳۹۲، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۲، شماره ۸۳، صص ۲۴۵-۲۸۴
- جعفری نژاد، مسعود؛ بابانسیب، حیدر؛ ربیعی، شهریار (۱۳۹۰)، تحلیل رفتار انتخاباتی (مطالعه موردی دهمین دوره ریاست‌جمهوری حوزه انتخابیه هریس)، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، دوره ۳، شماره ۷، صص ۱۵۹-۲۰۸
- جوج، مرتضی؛ گله‌دار، مجید (۱۳۹۱)، عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی شهروندان شهر تهران)، مطالعات انتخابات، شماره ۲
- دارابی، علی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی انتخابات و رفتار انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات سیاسی، پیش شماره ۲
- دارابی، علی (۱۳۸۸ الف)، بنیان‌های نظری رفتار انتخاباتی شهروندان در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال ۱۶، شماره ۱
- دارابی، علی (۱۳۸۸ ب)، جامعه‌شناسی انتخابات و رفتار انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۲۳، شماره ۲
- دارابی، علی (۱۳۸۸ ج)، رفتار انتخاباتی در ایران: الگوها و نظریه‌ها، تهران، انتشارات سروش
- درزی، علی (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی انتخابات: تحلیل الگوی رفتار انتخاباتی مردم استان مرکزی در هشتمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تهران
- ربیعی، علی (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتارشناسی رأی‌دهندگان در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، تهران: فرهنگ و اندیشه
- رضوانی، محسن (۱۳۸۶) تحلیل رفتار انتخاباتی (موردشناسی انتخابات نهم ریاست‌جمهوری) مجله معرفت، شماره ۱۲۳.
- رضی، داوود (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست‌جمهوری پس از انقلاب، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۳۷ و ۳۸

- رضی، داوود (۱۳۷۴)، بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست‌جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران ۷۲-۵۸، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- رهبر قاضی، محمودرضا؛ امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ نوربخش، سوسن؛ خاکی، مینا (۱۳۹۵)، بررسی رابطه دین‌داری با دو نوع فرهنگ سیاسی مشارکتی و دموکراتیک، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال نوزدهم، شماره ۷۱
- زارع، بیژن؛ روهنده، مجید (۱۳۹۵) پژوهشی در باب دین‌داری و مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: شهروندان شهر کرج)، پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر، شماره ۸، ۲۳ تا ۴۶
- سراج زاده، سیدحسین (۱۳۸۳) چالش‌های دین و مدرنیته. تهران، طرح نو.
- سراج زاده، سیدحسین، مهناز، توکلی (۱۳۸۰) بررسی تعریف عملیاتی دینداری در پژوهش‌های اجتماعی، نامه پژوهش، سال پنجم، شماره ۲۰ و ۲۱.
- سیدامامی، کاووس (۱۳۸۶)، مشارکت سیاسی دانشجویان: ارزیابی برخی از پیش‌بینی‌کننده‌های مشارکت، پژوهشنامه علوم سیاسی، دوره ۲، شماره ۱ (۶)؛ صفحه ۳۳ - ۵۲
- سیدامامی، کاووس، عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۸)؛ عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس: مطالعه موردی شهر تهران، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۰۹ - ۱۴۶
- سیدامامی، کاووس؛ افتخاری، اصغر و عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۵)، ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتار سیاسی جوانان، گزارش طرح پژوهشی، سازمان ملی جوانان
- سیدامامی، کاووس؛ مددلو، رامین (۱۳۹۴)، دلایل مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری: مطالعه موردی رأی‌دهندگان شهر خوی، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره سوم، صص ۲۷ - ۴۹
- شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۸۴) مدلی برای سنجش دینداری در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران، بهار ۱۳۸۴، دوره ۶، شماره ۱، صفحه ۳۴-۶۶.
- شریف‌زاده، محسن (۱۳۹۵)، رفتار انتخاباتی مردم ایران، تهران: شرکت سهامی انتشار

- صالح‌آبادی، ابراهیم (۱۳۹۱)، بررسی جامعه‌شناختی میزان دین‌داری و رفتار سیاسی، طرح پژوهشی دانشگاه پیام نور خراسان شمالی
- صالح‌آبادی، ابراهیم (۱۳۹۲)، بررسی جامعه‌شناختی میزان دین‌داری و رفتار سیاسی (رفتار انتخاباتی و الگوهای رأی‌دهی) (مطالعه موردی شهر بجنورد، طرح پژوهشی دانشگاه پیام نور خراسان شمالی)
- صالح‌آبادی، ابراهیم (۱۳۹۶)، منطق جامعه‌شناسان سیاسی ایران، تهران انتشارات کویر
- صالح‌آبادی، ابراهیم؛ قندهاری، عبدالرضا (۱۳۹۰) بررسی رابطه بین میزان دین‌داری و نگرش به دموکراسی در بین شهروندان نیشابوری، جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، دوره ۴ شماره ۳
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۸)، مکانیسم‌ها و جامعه‌شناسی (نقش و اهمیت مکانیسم‌ها در تبیین پدیده‌های اجتماعی، روش‌شناسی علوم انسانی، دوره ۱۵، شماره ۶۱، صص ۶۳-۱۰۲
- طالبان، محمدرضا و میرزائی، مهدی (۱۳۸۹)، بررسی تجربی ارتباط سطوح دین‌داری با رفتار انتخاباتی دانشجویان، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره اول، ش ۴، صص ۳۳-۶۷
- طالبان، محمدرضا و میرزائی، مهدی (۱۳۹۰)، دین‌داری و رفتار انتخاباتی، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال هشتم، دوره ۱، شماره ۴، صص ۱۳۱-۱۶۶
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۱)، تحلیل رفتار رأی‌دهی در ایران، مطالعه موردی شهروندان تهرانی در انتخابات سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸، تهران، دانشگاه امام صادق.
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۶)، تأثیر مؤلفه‌های مذهبی بر رفتار رأی‌دهی و مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۲۰، شماره ۷۷، صفحات ۳۱-۵۴
- غفاری، مسعود؛ زرین‌کاوینی، بهروز (۱۳۹۰)، بررسی روند مشارکت شهروندان استان کردستان در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۷۶-۱۳۸۴، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هفتم، شماره ۱، صص ۸۸-۱۱۰

- فیروزجائیان، علی اصغر؛ جهانگیری، جهانگیر (۱۳۸۷)، تحلیل جامعه‌شناختی مشارکت سیاسی دانشجویان، نمونه مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تهران، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره اول، صص ۸۳-۱۰۹
- کشاورز، زهراسادات؛ یزدخواستی، بهجت؛ ربانی خوراسگانی، علی (۱۳۹۴)، بررسی تأثیر دین‌داری بر گرایش به رفتار انتخاباتی شهروندان اصفهانی با تأکید بر نظام مردم‌سالاری دینی، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۶، شماره ۲، صفحه ۱۷-۴۰
- کیوی، ریموند. لوک وان کامپنهود (۱۳۷۵) روش تحقیق در علوم اجتماعی، مترجم عبدالحسین نیک‌گهر، تهران، توتیا.
- گنجی، قربان علی؛ سرایلو، حسن؛ طالبی، یدالله (۱۳۹۱)، بررسی رابطه میان دین‌داری و مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، مطالعات سیاسی، دوره ۵ شماره ۱۷، صص ۱۴۳-۱۶۵
- معمار، رحمت‌الله (۱۳۸۸)، توسعه یافتگی و مشارکت سیاسی در ایران: بررسی تطبیقی درون کشوری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه خوارزمی)، دوره ۱۶، شماره ۶۳، صص ۲۱۵-۲۵۵.
- معمار، رحمت‌الله (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- معمار، رحمت‌الله (۱۳۹۶) پژوهشی جامعه‌شناختی درباره تأثیر دینی بودن و نوع مذهب بر مشارکت سیاسی در ایران: یک تحلیل کلان نگر، دو فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، دوره ۴، شماره ۹، صص ۲۵۳-۲۸۳
- میرزائی، مهدی (۱۳۹۲) دین‌داری و رفتار انتخاباتی (مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی دین و جامعه‌شناسی سیاسی)، تهران: سبز رایان گستر.
- نادری احمد (۱۳۹۶)، فراتحلیل مشارکت سیاسی دانشجویان ایرانی: مطالعه اثربخشی عوامل تبیین‌کننده عینی، انگیزشی - ذهنی، فرهنگی - اجتماعی و نهادی، مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی سابق)، دوره ۲۴، شماره ۱، صفحه ۲۹۰-۲۵۹

- هاشمی، سیدضیاء؛ فولادیان، مجید؛ فاطمی امین، زینب (۱۳۸۹)، بررسی عوامل اجتماعی و روانی مؤثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره اول، صص ۱۹۹-۲۲۶.
-
- Botterman, Sarah, Marc, Hooghe (۲۰۱۲), Religion and voting behavior in Belgium: An analysis of the relation between religious beliefs and Christian Democratic voting, *Acta Political*, Volume ۴۷, Issue ۱, Pages ۱-۱۷
 - Brad, Lockerbie (۲۰۱۳), Race and Religion: Voting Behavior and Political Attitudes, *Social Science Quarterly*, volume ۹۴, Issue ۴, pages ۱۱۴۵-۱۱۵۸
 - DeCanio, Samuel (۲۰۰۷), Religion and Nineteenth-Century Voting Behavior: A New Look at Some Old Data, *the Journal of Politics*, Vol, ۶۹, No, ۲, pages ۳۳۹-۳۵۰.
 - Evans, Geoffrey, Northmore-Ball, Ksenia (۲۰۱۸) Long-term factors: Class and religious cleavages in *The Rutledge handbook of elections, voting behavior and public opinion*, edited by Justin Fisher, Edward Field house, Mark N, Franklin, Rachel Gibson, Marta Cantijoch and Christopher Wlezien, Abingdon, Oxon; New York, NY: Rutledge
 - Golberg, Andreas, C (۲۰۱۴), The Impact of Religion on Voting Behavior – A Multilevel Approach for Switzerland, *Swiss Political Science Review*, ۲۰(۲), Pages ۳۰۵-۳۲۹
 - Güneş Murat Tezcür, Taghi Azadarmaki, Mehri Bahar, and Hooshang Nayebi (۲۰۱۲) Support for Democracy in Iran, *Political Research Quarterly* ۶۵(۲), Pages ۲۳۵-۲۴۷
 - Gunes, Murat Tezcur & Azadarmaki, Taghi (۲۰۰۸), “Religiosity and Islamic Vale in Iran”, *Journal for the Scientific Study of religion*, Vol ۴۷ (۲), Pages ۲۱۱-۲۲۴
 - Gunes, Murat Tezcur, Azadarmaki, Taghi, Mehri, Bahar (۲۰۰۶) Religious Participation among Muslims: Iranian Exceptionalism, Critique: *Critical Middle Eastern Studies*, Vol, ۱۵, NO, ۳, Pages ۲۱۷-۲۳۲
 - Hoffman, A, and Dowd, R (۲۰۰۸), Religion, Gender and Political Participation in Africa Lessons from Nigeria Senegal and Uganda De: *Lessons from Nigeria*
 - Ignazi, Piero, Spencer, Wellhofer, E (۲۰۱۳) Religion, Rurality and Voting: Secularization, Landownership and Italian Electoral Behavior, ۱۹۵۳-۲۰۰۸, *West European Politics*, Vol, ۳۶, No, ۵, Pages ۹۱۹-۹۴۵
 - Jones-Correa, M, and Leal, D (۲۰۰۱), Political Participation: Does Religion Matter? *Political Research Quarterly*, ۵۴, ۷۵۱-۷۷۰.
 - Kim, Junghyoun (۲۰۰۶), Religion and Political Attitudes in South Korea, Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, university of Tennessee, Knoxville.
 - Kotler-Berkowitz, L, A (۲۰۰۱) Religion and voting behavior in Great Britain: A reassessment, *British Journal of Political Science* ۳۱ (۳), Pages ۵۲۳-۵۵۴

- Layman, Geoffrey (1997) Religion and Political Behavior in the United State, Public Opinion Quarterly, Vol, 61
- Lehrer, E.L. (2008) Religion as a determinant of economic and demographic behavior in the United States. Population and Development Review 30 (2), Pages 207-226
- Lerner, D. (1968), The passing of traditional society, New York, The Macmillan com
- Liddle, R. and Mujani, S. (2007), Leadership, party, and religion: Explaining voter behavior in Indonesia. Comparative Political Studies 40 (7), Pages 832-857
- Macaluso, T. F. and John, W. (1979), Voting turnout & religiosity, polity, Vol 11, No 1
- McKenzie, Brian D (2008), Voluntary Choices Religious Mobilization and Political Participation In Mercia, Dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, University of Michigan
- Michael McTague, John. and Layman Geoffrey C.(2009) Religion, Parties, and Voting Behavior: A Political Explanation of Religious Influence in Oxford Handbook of Religion and American Politics, eds, Corwin E. Schmidt, Lyman A. Kerlstedt, and James L. Guth, Oxford and New York: Oxford University Press
- Need, A. (1997), the Kindred Vote. Individual and Family Effects of Social Class and Religion on Electoral Change in the Netherlands, 1966-1996, Nijmegen, the Netherlands: Katholieke Universities Nijmegen.
- Robert P. Swierenga(2009), Religion and American Voting Behavior, 1830s to 1930s, in Oxford Handbook of Religion and American Politics, eds, Corwin E. Schmidt, Lyman A. Kerlstedt, and James L. Guth, Oxford and New York: Oxford University Press
- Verba, S., Brady, H. E., Schlozman, K. L. (1996), Beyond the SES: A resource model of political participation. American Political Science Review, 91 (7), Pages 271-292
- Verba, S., Scholozman, K. L.; Brady, H. and Nie, N. H. (1993), Race, Ethnicity, and Political Resources: Participation in the United States, British Journal of Political Science, 23, Pages 403-417.